

سبک‌های دلبستگی با پرخاشگری

و سازگاری اجتماعی

مؤلف:

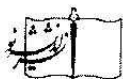
دکتر محمد رضا شاه آبادی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

فاطمه ادبی

کارشناس ارشد

(رشته علوم تربیتی - گرایش آموزش و پرورش ابتدایی)



تهران - انتشارات اندیشه‌نو - ۱۳۹۸

Tehran _ Öndiſe _ i Nov İntiſaratı _ 1398

سبک های دلبستگی با پرخاشگری و سازگاری اجتماعی / مولفه محمدرضا شاه آبادی، فاطمه ادبین	سرشناسه
تهران: ساوالان آپگیدلری، ۱۳۹۸	عنوان و نام پدیدآور
۹۴ ص. ۱/۴ × ۵/۲۱ × ۵/۳	مشخصات نشر
۷-۳۳-۶۷۳۹-۶۲۲-۹۷۸	مشخصات ظاهری
فیبا	شابک
کتابنامه: ص. ۷۳ - ۸۵	وضعیت فهرست نویسی
دلبستگی	یادداشت
Attachment behavior	موضوع
پرخاشگری	موضوع
Aggressiveness	موضوع
سازش پذیری	موضوع
Conformity	موضوع
ادبین، فاطمه، ۱۳۶۱ -	شناسه افزوده
۵۷۵BF	رده بندی کنگره
۹۲/۱۵۵	رده بندی دیویی
۵۹۷۹۷۱۵	شماره کتابشناسی ملی

سبک های دلبستگی با پرخاشگری و سازگاری اجتماعی

تألیف :

دکتر محمدرضا شاه آبادی (عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب)

فاطمه ادبین (کارشناس ارشد رشته علوم تربیتی - گرایش آموزش و پرورش ابتدایی)

روی جلد:

آماده سازی برای چاپ: ماوی چیچکلر - تلفن: ۴۳ ۹۶ ۹۷۰ ۰۹۳۷

قطع کتاب و نوبت چاپ: وزیری، ۹۴ صفحه - چاپ اول - تهران - ۱۳۹۸

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۸۰۰۰ تومان

شابک: ۷-۳۳-۶۷۳۹-۶۲۲-۹۷۸

فهرست مطالب

۱

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه.....
۸.....	سبک های دلبستگی.....
۸.....	مفهوم دل بستگی.....
۹.....	عوامل مؤثر بر کیفیت دل بستگی.....
۱۰.....	تعامل والد-فرزند.....
۱۲.....	پشتوانه های نظری سبک های دل بستگی.....
۱۲.....	نظریه دل بستگی بالبی.....
۱۵.....	انواع سبک های دل بستگی در نظریه بالبی.....
۱۵.....	سبک دل بستگی ایمن.....
۱۵.....	دل بستگی نایمن -اجتنابی.....
۱۶.....	دل بستگی نایمن - دوسوگرا.....
۱۷.....	دل بستگی آشفته (نایمن-سازمان نیافته).....
۱۸.....	نظریه دل بستگی ماری آینثورث.....
۱۹.....	نظریه دل بستگی ایمن بالتز.....
۲۰.....	نبات و تغییر در سبک های دلبستگی.....
۲۱.....	اهمیت انطباقی دلبستگی.....
۲۲.....	تغییرات دلبستگی در کودکی و نوجوانی.....
۲۳.....	طبقه بندی های دلبستگی.....
۲۳.....	طبقه بندی سه مقوله ای سبک دلبستگی بزرگسالان.....
۲۴.....	طبقه بندی چهار مقوله ای سبک دلبستگی بزرگسالان.....
۲۵.....	پرخاشگری.....
۲۵.....	تعریف پرخاشگری.....
۲۸.....	رویکردها و نظریه های پرخاشگری.....
۲۸.....	رویکرد روانپیشی.....
۳۰.....	رویکرد فردنگر.....
۳۲.....	رویکرد اجتماعی - شناختی بندورا.....
۳۴.....	رویکرد رفتارشناسی طبیعی.....
۳۶.....	رویکرد رفتاری.....
۳۶.....	رویکرد زیست شناختی.....
۳۶.....	رویکرد اجتماعی - زیستی.....

۳۷.....	نظریه فردیتزدایی - پرخاشگری زیمناردو.....
۳۷.....	نظریه انسانیتزدایی- پرخاشگری فشباخ.....
۳۷.....	نظریه انتقال برانگیختگی.....
۳۸.....	نظریه درونگرایی - برونگرایی.....
۳۸.....	مدل شرمساری - پرخاشگری نانگنی.....
۳۸.....	نظریه ناکامی - پرخاشگری.....
۳۹.....	عوامل مؤثر بر پرخاشگری.....
۴۷.....	راهکارهایی جهت کاهش پرخاشگری.....
۵۰.....	سازگاری اجتماعی.....
۵۰.....	میانی سازگاری.....
۵۱.....	تعریف سازگاری.....
۵۴.....	سازگاری اجتماعی.....
۵۷.....	نظریه‌های سازگاری.....
۵۷.....	نظریه روان‌پوشی.....
۵۹.....	نظریه یادگیری.....
۶۰.....	نظریه یادگیری شناختی اجتماعی.....
۶۱.....	نظریه پدیدار شناختی.....
۶۲.....	نظریه تحولی.....
۶۴.....	دیدگاه‌ها درباره‌ی سازگاری اجتماعی.....
۷۴.....	فهرست منابع.....

مقدمه

دلبستگی عبارت است از پیوند عاطفی عمیقی که با افراد خاص در زندگی خود برقرار میکنیم، طوری که باعث میشود وقتی با آنها تعامل میکنیم، احساس نشاط و شغف کرده و به هنگام استرس از اینکه آنها را در کنار خود داریم، احساس آرامش کنیم (شعیدی، ۱۳۹۲). به طور کلی دلبستگی را می توان جو هیجانی حاکم بر روابط کودک با مراقبش تعریف کرد. نتیجه عمده کنش متقابل بین کودک و مادر ایجاد نوعی دلبستگی عاطفی به مادر است، طوری که باعث می شود وقتی با او تعامل دارد، احساس شادی و شغف کرده و به هنگام استرس از این که او را در کنار خود دارد، احساس آرامش کند (برک، ۱۳۹۱).

زاجریسون استدلال کرد که دانستن اینکه شخصی وجود دارد که نگران شماست و شما را در ذهن خود دارد، در هر سن و هر شرایطی نقش اساسی داشته و به عنوان یک پایگاه ایمنی بخش عمل می کند. این تصور ذهنی رفتار مستقلانه راحتی را در غیبت چهره دلبستگی پشتیبانی و تقویت می کند. سه معیار اصلی تعریف کننده یک رابطه دلبستگی را در دوره طفولیت جستجوی همجواری ، تأثیر پایگاه ایمنی بخش، و اعتراض جدایی دانسته اند. بالبی دلبستگی بزرگسالان را به عنوان ایجاد یک پیوند توسط یک بزرگسال با بزرگسال دیگر که در جنبه های اساسی و مهم مشابه دلبستگی است که کودکان نسبت به مراقب اصلی خود ایجاد می کنند، تعریف می کند. این پیوند، درست مثل، آنچه که در کودکان وجود دارد اهمیت هیجانی بسیار زیاد و محوری دارد (مؤمن زاده، ۱۳۹۵).

بیک های دلبستگی، به عنوان یک عامل تحولی، در شکل گیری سازه های هیجانی روان شناختی و به ویژه شادکامی تعیین کننده های مهمی هستند. به همین خاطر افراد در طول

رشد مجموعه‌ای از شواهد ذهنی برای موفقیت خود به واسطه‌ی مجاورت کافی با نگاره‌های دلبستگی را به عنوان مدل‌های درون‌کاری ثبت و ضبط می‌کنند (سیمپسون و رولز، ۲۰۱۷). پیرو تحقیقات بالبی سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا وجود دارد. سبک دلبستگی ایمن به شیوه مثبت و سبک دلبستگی اجتنابی به شیوه منفی پیش‌بینی‌کننده شادکامی هستند. سبک دلبستگی ایمن از طریق پردازشهای شناختی-هیجانی مثبت، کیفیت زندگی و شادکامی را افزایش داده و سبک‌های دلبستگی نایمن به دلیل پردازشهای شناختی-هیجانی منفی شادکامی را کاهش می‌دهند. همچنین زوجینی که دارای سبک دلبستگی ایمن هستند از مشکلات بین فردی کمتر و سطح شادکامی بیشتری نسبت به زوجین دارای سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا برخوردارند. زوجین دارای سبک‌های دلبستگی نایمن بیشتر با دشواری‌های هیجانی و روانی روبرو هستند و هر چه احساس ناتوانی در این افراد بیشتر باشد سطح شادکامی آنها کمتر خواهد بود. بالبی^۲ (۱۹۶۹) در این زمینه معتقد است رفتار فرد تابع شیوه دلبستگی او با مادرش است. زوجینی که دلبستگی ایمن دارند شاد و سازگارترند اما دلبستگی نایمن احتمال ناسازگاری عاطفی و اجتماعی را فراهم می‌سازد و در نتیجه شادکامی کمتری حاصل می‌شود. دلبستگی که به عنوان پیوند عاطفی کودک - مادر است، تعیین‌کننده سلامت روانی و شادکامی فرد است و یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در تعاملات بین فردی است که در دوران کودکی شکل گرفته و با توجه به محیطی تحول می‌یابد. بنابراین افراد دلبسته ایمن، شادکامی بالاتری دارند و هر چه دلبستگی نایمن‌تر باشد، افراد میزان شادکامی پایین‌تری را تجربه می‌کنند. طی سال‌های گذشته مجموعه‌ای از پژوهش‌ها به پرخاشگری و مشکلات آن در کودکان و نوجوانان مدرسه‌ای پرداخته‌اند (دوستی، غلامی و ترابیان، ۱۳۹۵). پرخاشگری در دوران نوجوانی نه تنها به قربانیان آسیب وارد می‌سازد، بلکه تحول خود نوجوانان پرخاشگر را نیز در معرض خطر قرار می‌دهد. نوجوانان پرخاشگر نسبت به نوجوانان

^۱ Simpson, J. A., & Rholes, W. S

^۲ Balbie, U

غیرپرخاشگر به احتمال بیشتری از سوی همسالان طرد شده، مرتکب جرم می‌کردند و رفتار ضداجتماعی از خود نشان می‌دهند. آنها درجات تحصیلی پایین‌تری دارند و بیشتر درگیر سوء مصرف مواد می‌شوند. مطالعه سیری و سیری (۱۳۹۵) نشان داده است که تعداد قابل توجهی از دانش‌آموزان متوسطه اول و دوم سطح پرخاشگری بالایی را از خود بروز می‌دهند. تیرگر، بالالی میبیدی و حسنی (۱۳۹۴) نیز در مطالعه خود در بین دانش‌آموزان متوسطه اول، سطح پرخاشگری دانش‌آموزان را در سطح بالایی گزارش نموده‌اند. صداقت، مرادی و احمدیان (۱۳۹۳) نیز در مطالعه خود گزارش نموده‌اند که میزان پرخاشگری دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم در سطح بالایی قرار دارد. مطالعات مذکور نشان از آن دارد که سطح پرخاشگری دانش‌آموزان دوره متوسطه در سطح بالایی است که این رویه در آینده می‌تواند نتایج نامطلوبی را برای فرد و جامعه در پی داشته باشد.

سازگاری در لغت، به معنی «موافقت در کار و حسن سلوک (لغت‌نامه دهخدا) و یا به معنای سازش، مؤالفت و هماهنگی است» (معین، ۱۳۹۶). سازگاری فرایندی است در حال رشد و پویا که شامل توازن بین آنچه افراد می‌خواهند و آنچه جامعه‌شان می‌پذیرد است. به عبارت دیگر سازگاری یک فرایند دوسویه است، از یک طرف فرد به صورت مؤثر با اجتماع تماس برقرار می‌کند و از طرف دیگر اجتماع نیز ابزارهایی را تدارک می‌بیند که فرد از طریق آنها توانایی‌های بالقوه‌ی خویش را واقعیت می‌بخشد. در این تعامل فرد و جامعه دستخوش تغییر و دگرگونی شده و سازشی نسبتاً پایدار به وجود می‌آید. به طور کلی سازگاری به تسلط فرد بر محیط و احساس کنار آمدن با خود اشاره دارد. هر یک از ما به محیط و تغییراتی که در آن روی می‌دهد پاسخ می‌دهیم. از این رو سازگاری مهارتی است که باید آموخته شود و کیفیت آن مانند سایر آموخته‌ها، بستگی به میزان علاقه و کوشش فرد برای یادگیری آن دارد. محیط خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی در فراهم ساختن امکان یادگیری سازگاری با محیط نقش و

مسئولیت مهمی بر عهده دارند. اساس سازگاری اجتماعی به وجود آوردن تعادل بین خواست‌های خود و انتقادات اجتماع است که می‌تواند بر تمام ابعاد زندگی فرد تأثیرگذار (دینگرا، مانز و تکور^۱، ۲۰۰۵).

اهمیت سبک‌های دلبستگی^۲ و تأثیر آن در دوران بزرگسالی در تعاملات بین فردی امروزه به یکی از اصلی‌ترین و گسترده‌ترین موضوعات پژوهش تبدیل گشته است؛ به شکلی که مطالعات دلبستگی یکی از وسیع‌ترین، عمیق‌ترین و خلاقانه‌ترین خطوط پژوهشی در روان‌شناسی قرن بیستم محسوب می‌شود (سریواستاوا و بیر، ۲۰۱۰)^۳. در این زمینه نظریه دلبستگی بالبی مورد توجه متخصصان بالینی قرار گرفته است. بالبی دلبستگی را فرآیند برقراری و حفظ رابطه عاطفی کودک و والدینش تعریف می‌کند که در کودک احساس امنیت ایجاد می‌کند. بالبی در تأکید بر اهمیت ارتباط مادر و کودک معتقد است که برای سلامت روان و رشد هیجانی و عاطفی کودک، تجربه یک ارتباط صمیمی و مداوم و رضایت بخش با مادر یا جانشین دایم او ضروری است. به عقیده او بسیاری از اشکال روان‌آزردگی، اختلال‌های شخصیتی، ناتوانی‌های ارتباطی و هیجانی حاصل محرومیت کودک از مراقبت مادرانه و یا عدم ثبات دلبستگی است (ضیاءالحق، ۱۳۹۱).

نتایج حاصل از پژوهش (گرینبرگ^۴، ۲۰۱۴) نشان می‌دهد که بزرگسالانی که سبک دلبستگی ناایمن گزارش داده‌اند عملکرد بیشتری از عملکرد روانی بد نشان می‌دهند و همین‌طور سطح پایین‌تری از بهزیستی روان‌شناختی را در مقابل افراد

^۱ Dhingra, R., Manhas, S., & Thakur, N

^۲ Attachment Styles

^۳ Srivastava, S.

^۴ Greenberg, S.

دارای سبک دلبستگی ایمن دارند. نتایج پژوهش اصغری (۱۳۹۴) در زمینه رابطه بین سبک والدگری و سبک های دلبستگی با بهزیستی روان شناختی در دانشجویان نشان داد که بهزیستی روان شناختی با سبک دلبستگی ایمن رابطه مثبت معنادار و با سبک اجتنابی و اضطرابی همبستگی منفی معنادار دارد. علاوه نتایج نشان داد سبک اجتنابی و سبک دلبستگی ایمن به طور معنادار دارای بهزیستی روان شناختی را تبیین می کند.

پرخاشگری^۱ به هر شکلی از رفتار گفته می شود که می تواند به دیگران صدمه و آسیب برساند (کاریلاک، کوهن و آدلی-پیوترووسکی^۲، ۲۰۱۱). پرخاشگری، زمانی به عنوان رفتار تعریف می شود که احساس به نفرت تبدیل شده و ابراز گردد. این تعریف شامل پرخاشگری بدنی و پرخاشگری کلامی است (یاگسی و کاکلار^۳، ۲۰۱۰). پرخاشگری می تواند به صورت مستقیم و غیرمستقیم صورت گیرد. پرخاشگری مستقیم رفتاری است که اثر منفی مستقیمی به صورت فیزیکی یا کلامی بر بهزیستی فرد داشته باشد. اما پرخاشگری غیرمستقیم رفتاری است که به صورت غیرمستقیم (مانند غیبت کردن و شایعه پراکنی) باعث صدمه و آسیب به روابط اجتماعی می شود (گارسیا سانچو، سالگرو و فماندز- بروکال^۴، ۲۰۱۶). مولر^۵ پرخاشگری را به پرخاشگری کلامی و فیزیکی تقسیم می کند. باس^۶ و همکاران پرخاشگری را به صورت فیزیکی، کلامی، و غیرمستقیم مطرح کردند. داگ^۷ و همکاران پرخاشگری را به صورت کنش گرایانه و

1 aggression

2 Kuryluk, A., Cohen, R., & AudleyPiotrowski, S.

3 Yagci, E., & Caglar, M.

4 Garcia-Sancho, E., Salguero, Jm., & FernandezBerrocal, P.

5 Moeller, K.

6 Buss, O.

7 Dodge, P.

کنش‌پذیر بیان می‌کنند (یاووزر^۱، ۲۰۱۳). به اعتقاد مک‌کارثی^۲ خشم و پرخاشگری هیجان‌های طبیعی، مناسب و سالم هستند اما راهی که ابراز می‌کردند می‌تواند به خشونت یا رفتار پرخاشگرانه مرضی منجر شود (هال، راشینگ و آور^۳، ۲۰۰۹). عوامل مؤثر در سازگاری اجتماعی به شش دسته‌ی عمده تقسیم می‌شود که هریک از آنها نیز به عوامل جزئی‌تری تقسیم شده‌اند، یکی از این عوامل عبارتند از: عوامل تربیتی، عوامل ژنتیکی و ارثی نظیر اختلالات جسمی، روانی و عاطفی ارثی که زمینه را برای رفتارهای بزهکارانه و ناسازگاری اجتماعی فراهم می‌کنند (ایواتا، نوبورو، هیگوچی و هیانا^۴، ۲۰۰۰).

اینسورث^۵ (۱۹۹۸) پیشنهاد کرده است که سبک‌های دلبستگی ممکن است کاربردهای طولانی‌مدت معناداری بر روابط شخصی بعدی، ادراک خود، شکل‌گیری هویت و حتی آسیب‌شناسی روانی داشته باشد، لذا، این مهم باید همواره مدنظر افراد قرار گیرد تا با ایجاد روابط صمیمانه با افراد خود شرایط لازم برای رشد متناسب وی فراهم آید (احمد دوست، ۱۳۸۹). تعداد روزافزون افرادی که برای برقراری ارتباط با دیگران مشکل دارند یا افرادی که دستخوش ترس از برخوردهای اجتماعی بوده و در برخوردهای خود به صورت تکانشی و پرخاشگرانه رفتار می‌نمایند و یا دانش‌آموزانی که دچار اضطراب، افسردگی و انزوای اجتماعی هستند، ضرورت پرداختن به تحولات اجتماعی و عامل‌های مرتبط با آن را ثابت می‌نماید. بر این اساس باید توجه داشت که جنبه اجتماعی تحول فرد، پایه و اساس زندگی او را تشکیل می‌دهد و ادامه زندگی انسانی جز در جامعه جریان پیدا نمی‌کند. در حقیقت تحول اجتماعی به مجموعه متوازی از مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای انطباقی فراگرفته شده مربوط است که

1 Yavuzer, Y.

2 Mccarthy, L.

3 Hall, K. R., Rushing, J. L., & Ower, R. B.

4 Iwata, J. N., Noboru, K., Higuchi, M. & Hiana, R. J

5 Ainsworth, M.

فرد را قادر می‌سازد با توجه به آنچه مطرح شد می‌توان به اهمیت رویکردهای آموزشی در تقویت مهارت‌های اجتماعی برای رسیدن به سازگاری‌های اجتماعی پی برد. امروزه دو رویکرد آموزشی بیش از دیگر رویکردها در مقطع پیش دبستانی مطرح است؛ رویکرد واحدکار و رویکرد پروژه ای (افتخار صعادی، ۱۳۸۹). سازمان جهانی بهداشت مهارت‌های زندگی را چنین تعریف نموده است: توانایی انجام رفتار سازگارانه و مثبت به گونه ای که فرد بتواند با چالش‌ها و ضروریات زندگی روزمره خود کنار بیاید بطور کلی مهارت‌های زندگی عبارتند از توانایی‌هایی که منجر به ارتقای بهداشت روانی افراد جامعه، غنای روابط انسانی، افزایش سلامت و رفتارهای سلامتی در سطح جامعه می‌گردند. مهارت‌های زندگی هم به صورت یک راهکار ارتقای سلامت روانی و هم به صورت ابزاری در پیشگیری از آسیب‌های روانی - اجتماعی مبتلا به جامعه نظیر اعتیاد، خشونت‌های خانگی و اجتماعی، آزار کودکان، خودکشی، ایدز و موارد مشابه قابل استفاده است به طور کلی مهارت‌های زندگی ابزاری قوی در دست متولیان سلامت روانی جامعه در جهت توانمندسازی جوانان در ابعاد روانی - اجتماعی است. این مهارتها به افراد کمک می‌کنند تا مثبت عمل کرده، هم خودشان و هم جامعه را از آسیب‌های روانی - اجتماعی حفظ کرده و سطح بهداشت روانی خویش و جامعه را ارتقاء بخشند. سازگاری اجتماعی به همه راهبردهایی گفته می‌شود که فرد برای اداره کردن خود در موقعیتهای استرس‌زا به کار میبرد (سادوک و سادوک^۱، ۲۰۰۳) خصوصیات شخص و حساسیت موقعیت‌هایی که فرد با آن روبه رومی‌شود از جمله عواملی هستند که بر سازگاری اجتماعی مؤثرند. سازگاری اجتماعی ارتباط نزدیکی با هوش هیجانی و راهبردهای انگیزشی دارد. با افراد دیگر روابط متقابل مطلوب داشته باشند، واکنش‌های مثبت بروز داده و از رفتارهایی که پیامد منفی دارند اجتناب ورزد که این مهم می‌تواند در رابطه هوش هیجانی و

^۱ Sadock, B. J. , & Sadock,

پرخاشگری دانش‌آموزان تأثیرگذار باشد. سازگاری اجتماعی به عنوان مهم‌ترین نشانه سلامت روانی از مباحثی است که توجه بسیاری از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان را جلب کرده است (کرمی، ۱۳۹۴).

سبک‌های دل‌بستگی

مفهوم دل‌بستگی

یکی از متغیرهای روان‌شناختی و وابسته به خانواده اصلی، سبک‌های دل‌بستگی است (اعتمادی و سعادت، ۱۳۹۴). سبک دل‌بستگی، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تعاملات بین فردی است که در دوران کودکی فرد شکل گرفته و با توجه به محیطی که در آن تحول یافته است، در سنین بعدی ادامه می‌یابد. نظریه پردازان دل‌بستگی، سه سبک عمده دل‌بستگی ایمن، دوسوگرا- اضطرابی و اجتنابی را معرفی کرده‌اند. از میان این سبک‌های دل‌بستگی سبک ایمن نقش مهمی در بهزیستی و سلامت افراد دارد. تا جایی در پژوهش‌ها آمده است رفتارهای جامعه‌پسند^۱ تلاشی است برای بهبود سلامت و بهزیستی افراد که نقش اصلی در روابط اجتماعی افراد ایفا می‌کنند و آنچه به ایجاد و رشد این فرایند کمک می‌کند سبک دل‌بستگی ایمن است (گروس، استرن، برت و کاسیدی^۲، ۲۰۱۷). افرادی که در بزرگسالی سبک دل‌بستگی ایمن دارند، همواره به دنبال روابط ایمن و پایدارتری هستند. ویژگی‌های اصلی دل‌بستگی ایمن در بزرگسالان شامل خودباوری زیاد، لذت بردن از روابط صمیمانه، جستجوی حمایت اجتماعی و توانایی در به اشتراک گذاشتن احساسات با دیگران است. در بزرگسالان، افرادی که دل‌بستگی دوسوگرا- اضطرابی دارند غالباً رغبتی به نزدیک شدن به دیگران

1. prosocial behavior

2. Gross, J. T., Stern, J. A., Brett, B. E., & Cassidy, J.